

جلسه‌ی دوم

(نگاهی به سیر انسان از منظر قرآن کریم)

(آنچه گذشت)

در جلسه‌ی گذشته گفتیم:

تدبر در این حقیقت که:

(قرآن کریم، کتاب ذکر انسان است)؛

دریچه‌ی دیگری را به روی انسان باز می‌کند،
تا در قرآن، با **(نگاهی دیگر)** تدبر و تعمق کند.

(نگاهی) از جنس **(نگاه در آینه)**

قرآن (آینه‌ی انسان) است.

در این نگاه،

(قرآن کتاب سیر انسان) است.

(قرآن کتاب هدایت انسان) است.

(قرآن کتاب ذکر انسان) است.

(قرآن، سفرنامه‌ی انسان است)

مسیر انسان،

و چگونگی پیمودن این مسیر را بیان می‌کند.

(جنبه‌های مختلف شخصیت انسان) را

در راستای (سعادت یا شقاء) معرفی می‌کند.

قرآن، میزانی را در اختیار می‌گذارد تا
هرکس جایگاه خود را بیابد که آیا:

(موسی است یا فرعون) / (ابراهیم است یا نمرود)
(هارون است یا قارون) / (ملک است یا شیطان)

و خلاصه این که (سعید است یا شقی)

خداوند در سوره‌ی (تین) می‌فرماید:

بعد از خلقت انسان،
و هستی بخشیدن به او در نهایت حُسن و نیکویی،
ما او را به (أَسْفَلَ سَافِلِينَ) برگردانندیم.

(ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ)

بیانگر این است که:

انسان دارای سیری از پایین به بالا است،
و این پایین و بالا، **(مکانی)** نیست،
بلکه **(مقامی)** است، و **(أَسْفَلَ سَافِلِينَ)**
(پایین‌ترین یا نقطه‌ی آغازین سیر انسان است)

(إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) می‌گویند:

(سیر انسان) برای عبور از (أَسْفَلَ سَافِلِينَ)،
و صعود و بازگشت به (أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ)
در چرخه‌ی (ایمان و عمل صالح) است.

(فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ)

از (نتیجه‌ی سیر انسان) سخن می‌گویند.

نتیجه‌ی چرخه‌ی (ایمان و عمل صالح)

(أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ) است یعنی:

(اجر و پاداشی تمام نشدنی و دائمی)

(ادامه‌ی سخن)

در ادامه‌ی بررسی آیات سوره‌ی تین،
به بیانات مرحوم علامه‌ی طباطبایی
در (المیزان جلد نوزده صفحه‌ی ۳۲۰)
توجه فرمایید!

مرحوم علامه‌ی طباطبائی درباره‌ی
(**خلقت انسان در احسن تقویم**)
می‌فرمایند:

و معنی گونه‌ها از احسن قوام ...
صلوحه بحسب الخلقة للعروج إلى الرفیع الأعلى.

معنای خلقت انسان در **(احسن تقویم)**
صلاحیت انسان بر اساس نحوه‌ی خلقتش،
برای **(عروج به مقام بالا و اعلی)** است.

و الفوز بحياة خالدة عند ربه،
سعيدة لا شقوة معها.

و رستگاری به سببِ
(زندگی جاودانه‌ای نزد پروردگارش)

که سعادتمندانه است،
و هیچ شقاوتی در آن نیست.

معنای این کلام مرحوم علامه‌ی طباطبایی،
همان است که گفتیم:

انسان دارای سیری از پایین به بالا است،
و این پایین و بالا، **(مکانی)** نیست،
بلکه **(مقامی)** است، و **(أَسْفَلَ سَافِلِينَ)**
(پایین‌ترین یا نقطه‌ی آغازین سیر انسان است)

و نتیجه‌ی (چرخه‌ی ایمان و عمل صالح)
(اجر و پاداشی تمام نشدنی و دائمی) است.

و این همان تعبیر مرحوم علامه است که:

(زندگی جاودانه‌ای نزد پروردگارش)

که سعادتمندانه است،

و هیچ شقاوتی در آن نیست.

سپس مرحوم علامه‌ی طباطبایی دسترسی به
(زندگی جاودانه‌ای نزد پروردگار)
یا (زندگی سعادت‌مندانه‌ی بدون شقاء) را
در گرو (چرخه‌ی ایمان و عمل صالح) می‌داند:

و ذلك بما جهزه الله به من العلم النافع،
و مكنه منه من العمل الصالح.

دلیل (دسترسی به این سعادت) این است که:
الله تعالی او را به (علم نافع) مجهز کرده است،
و به او امکان (عمل صالح) را داده است.

مرحوم علامه‌ی طباطبایی در این بخش از گفتار،
به چندین آیه از کلیدی‌ترین آیات قرآن کریم
اشاره می‌کنند که نحوه‌ی سیر انسان
در **(چرخه‌ی ایمان و عمل صالح)** را شرح می‌دهند.
این آیات عبارتند از:

(و نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا)

(سورهی شمس آیہی ۸)

(يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ)

(سورهی مجادلہ آیہی ۱۱)

(إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)

(سورهی فاطر آیہی ۱۰)

برای روشن شدن نحوه‌ی سیر انسان
در (چرخه‌ی ایمان و عمل صالح)
شرح مختصری از این آیات را بیان می‌کنیم.

قرآن کریم در موارد متعددی
به این **(حقیقت)** اصرار می‌ورزد که:

(علم و عملی که سعادت انسان در آن است)،

از او مخفی نیست؛

و انسان با **(فطرت خویش)**،

(اعتقاد و عمل حق) را درک می‌کند.

آیاتی از قبیل:

(و نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا)
(قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا)

(سوره‌ی شمس آیه‌ی ۷-۱۰)

و فرمود: قسم به نفس و آنکه آن را شکل داد؛
و (فجور و تقوا) را به آن الهام کرد،
کسی که آن را پاک کرد رستگار شد،
و کسی که آن را دهن کرد زیانکار گشت.

در قدم بعد، اعلام می کند که:
(سیر انسان صعودی است)

يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ
وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ

الله تعالی (مؤمنین) و کسانی که
(به آنان علم داده شده) را در درجات، بالا می برد.

(سیر انسان صعودی است)

و اگرچه این الله تعالی است که (مؤمنین)،
و کسانی که (به آنان علم داده شده) را
در درجات، بالا می‌برد؛
اما (عامل بالا بردن، ایمان و علم است)

در قدم سوم، روشن می‌کند که چگونه،
(ایمان و علم در درجات، بالا می‌برند)

(إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ)
(وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)

(إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ)

آنچه که به سوی الله تعالی (صعود) می کند،
(کلم طیب) است.

(وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)

آنچه که (کلم طیب) را بالا می برد،
(عمل صالح) است.

نحوه‌ی عملکرد
(کلم طیب و عمل صالح)

معنای این جمله که:
(عمل صالح)، (کلم طیب) را بالا می برد؛
چیست؟

برای روشن شدن پاسخ این سوال،
به این بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله توجه کنید!

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

(مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ وَرَّثَهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

(کسی که به علم خود عمل کند)

(خداوند او را وارث آنچه نمی‌داند، می‌کند)

سرّ این بیان نورانی این است که:

انسان دائماً

(با هر عملی که انجام می‌دهد)

در حالِ

(خلق حقایقی در درون جان خویش است)

(روح عمل)، دائما در حال
(ممزوج شدن با جان انسان)
و (خلق دنیایی جدید در درون او) است.

(دنیایی متناسب با روح عمل)

جایگاه خلق این (دنیای جدید)

(در درون جان انسان است)

با هر (عملی)،
(انسان دیگری) خلق می‌شود؛
و (انسان دیگر)،
دارای (دریافت دیگری) است.

(دریافت دیگری) که در اثر (عمل)،
جایگاهش در نزد انسان تخییر کرده است.

بار دیگر به کلام رسول الله صلی الله علیه و آله
توجه بفرمایید!

(مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ وَرَّثَهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)

(کسی که به علم خود عمل کند)

(خداوند او را وارث آنچه نمی داند، می کند)

با توجه به این که سیر انسان،
در (چرخه‌ی علم و عمل) رخ می‌دهد،
نقطه‌ی آغازین سیر، (علم) است.

(علم) همان (کلمات طیب یا خبیث)،
است که مسیر انسان را به سوی
(سعادت یا شقاء)، رقم می‌زند.

(تعهد) به (کلمات طیب)،

همان (ایمان) است.

و نتیجه‌ی (تعهد) به

(کلمات طیب) یا (ایمان)

(عمل صالح) است.

(تعهد) به (کلمات طیب)،



(ایمان)



(عمل صالح)

(تعهد) به (کلمات طیب) یا (ایمان)،
انسان را به (عمل صالح) دعوت می‌کند.

در قدم بعدی،
(عمل صالح) با (جان انسان) ممزوج می‌شود.

(إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)

(إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ)

از (صعودی بودن سیر)، سخن می گوید.

(وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)

از نقش (عمل صالح)

در (صعود کلم طیب) پرده برمی دارد.

(عمل صالح)، با جان ممزوج شده،
(جان را صالح) می‌کند.

خداوند بعد از ذکر نام بسیاری از انبیاء الهی،
در توصیف پایانی آنان می‌فرماید:

(وَكُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ)

(كلمات طيب / ايمان)



(جان صالح)



(عمل صالح)

(جان صالح می‌شود)، و از (جان صالح)،
جز (اندیشه و عمل صالح) متولد نمی‌گردد.

(کلمات طیب / اندیشه‌ی صالح)

(جان صالح)

(عمل صالح)

و این چرخه دائماً رو به سوی کمال دارد.
از (کلمات طیب یا اندیشه‌ی صالح)
به (عمل صالح)

و از (عمل صالح)
به (کلمات طیب یا اندیشه‌ی صالح دیگر)

به کلمه‌ی (دیگر) دقت کنید!

از (عمل صالح)

به (کلمات طیب یا اندیشه‌ی صالح دیگر)

این (کلمات طیب یا اندیشه‌ی صالح دیگر)

یک (اندیشه‌ی صالح دیگر)
به معنای (دیگر کمی) نیست،
(دیگر) آن (دیگر کیفی) است.

این (کلمات طیب یا اندیشه‌ی صالح دیگر) همان،
(کلمات طیب یا ایمان یا اندیشه‌ی صالح قبلی) است.
فقط (صعود) کرده
و (کیفیت آن) تغییر کرده است.

(إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)

ادامه‌ی سخن
را به جلسه‌ی آینده موکول می‌کنیم.

پایان جلسه ی دوم

(نگاهی به سیر انسان از منظر قرآن کریم)

چنین شنیدم که لطف یزدان به روی جوینده در نبندد
دری که بگشاید از حقیقت بر اهل عرفان دگر نبندد
چنین شنیدم که هر که شبها نظر ز فیض سحر نبندد
ملک ز کارش گره گشاید فلک بکینش کمر نبندد
دلی که باشد به صبح خیزان عجب نباشد اگر که هر دم
دعای خود را به کوی جانان به بال مرغ اثر نبندد
اگر خیالش به دل بیاید سخن بگویم چنانکه طوطی
جمال آینه تا نبیند سخن نگوید خبر نبندد

بر شهیدان کوی عشقش به سرخروئی علم نگرده
به رنگ لاله کسی که داغ غمش به لخت جگر نبندد
به زیر دستان مکن تکبر ادب نگهدار اگر ادیبی
که سربلندی و سرفرازی گذر بر آه سحر نبندد
ز تیر آه چو ما فقیران شود مشبک اگر که شبها
فلک بر انجم زره نپوشد قمر ز هاله سپر نبندد
صفا به رندی کجا تواند دم از بیانات عاشقی زد
هر آنکه نالد بناله نی چو نی به هر جا کمر نبندد